

خردنامک ۳

زبان پارسیگ (پهلوی)

دستور زبان، واژه‌سازی و واج‌شناسی

رَهام اشه

پارسی از:

سریم ارج بخش

بزرگمهر لقمان



کتاب سده



کتاب سده

«زبان پارسیگ» روی کاغذ سبک، که کاغذی سبز است و نشان جهانی زیست‌بوم (FSC) دارد، چاپ شده است.

سرشناسه: اشه، رهام، ۱۳۳۶ -

Asha, Raham

عنوان و نام پدیدآور: زبان پارسیگ (پهلوی): دستور زبان، واژه‌سازی و واج‌شناسی / رهام اشه؛ پارسی از: مریم تاج‌بخش، بزرگمهر لقمان.

مشخصات نشر: تهران: کتاب سده، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۶۲۸ ص.: جدول، نمودار.

فروست: خردنامگ؛ ۳.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۸-۲۱-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان به انگلیسی: Parsig language (the so-called pahlavi) parts of speech, word formation, and phonology.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: زبان - ری - دستور زبان

Pahlavi language - Grammar

موضوع: زبان - ری - واژه‌سازی

Pahlavi language - Word formation

موضوع: زبان پهلوی - واج‌شناسی

Pahlavi language - Phonology

شناسه‌ی افزوده: تاج‌بخش، مریم، ۱۳۵۹، مترجم

Tajbakhsh, Maryam

شناسه‌ی افزوده: لقمان، بزرگمهر، ۱۳۶۱ - مترجم

Tajbakhsh, Maryam, Bozorgmehr

شناسه‌ی افزوده: کنگره: ۱۳۹۷، ۲۱۵۵ الف/۱۹۷۱ PIR

رده‌بندی دیویی: ۴۱۵/۰۷

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۵۳۳۲۷۳۱

زبان پارسیگ (پهلوی)

دستور زبان، واژه‌سازی و واج‌شناسی

نویسنده: رهام اشه

پارسی از: مریم تاج‌بخش و بزرگمهر لقمان

پیرنگ‌گر پوشینه: مریم تاج‌بخش

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۲۰ پوشینه

بها: ۹۵ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۸-۲۱-۴

Copyright © 2018

این نیبک گردانش پارسی نیبک زیر است:

Asha, Raham. Pārsīg Language (The so-called Pahlavi); Parts of Speech, Word Formation, and Phonology. Sade, 2017

کتاب سده: دورآ و ۱۰۲۱-۶۶۸۶۲۱۴۳ همراه ۰۹۱۲۲۴۷۲۸۳۸

پیش درآمد

زبانِ «پارسی» دنباله‌ی زبانِ «پارسیگ» (پهلوی) و آن نیز دنباله‌ی زبانِ «پارسه» (پارسی باستان) است. زین‌رو، پارسی‌شناسی بی‌پارسیگ‌شناسی شدنی نباشد. با پارسیگ‌آگاهی است که به شناختی ژرف از پارسی توان دست‌یازیدن. چه نه تنها از چشمِ پارسیگ به پارسی نگرستن نگرستن به جان و جهانِ خویش با چشمانِ خویشن است که با پارسیگ‌دانی است که اندر یافت چگونگیِ دستورِ زبانِ پارسی اس! شود و بسیاری از گرهای ناگشوده نیز گشوده گردد.

واژه‌سازی بهنجار و آیین‌مند نیز بی‌پارسیگ‌دانی شدنی نباشد. زیرا تا نتوان با واژه‌های پارسیک و شیوه‌های واژه‌سازی اندر این زبان آشنا شد و خو گرفت واژه‌سازی هم‌توان کرد.

گذشته از آنها، فرهنگ ایرانی بر شانه‌ی فرهنگ کهنِ خویش ایستاده است. شناخت این فرهنگ بر شانه‌ی رُبُن نه شدنی است و نه دلخواه آگاهی‌خواستاران. زین‌رو، برای آگاهی ژرف‌پایه از فرهنگ ایرانی و به دست آوردن بینشی روشن و بخردانه‌گزیری جز یادگیری ناممکن است، چه فراگیری پارسیگ مِهِن‌ابزارِ اندرِیافتِ آگاهی‌دانایانِ پیشین و خردِ ایرانشده‌ی است. هم بر این پایه، نیبِگ (کتاب) «زبان پارسیگ» پس از «گویایی ارسو» و دیبا، ای بر فلسفه‌ی تاریخ ایران» در «خردنامگ» حای گرفته است.

درباره‌ی این کار

استاد رهام اشه، واژگونه‌ی دیگران، به پارسیگ باره باره ننکریسته و آن به مزدیسنی و مانوی و ترسای و ... بخش نکرده و آن را پیکره‌ای یکپارچه دید. او، در این نیگ، خود زبان پارسیگ را پایه‌ی کار خویش نهاده، بدان چونان زبانی زنده و پویا درنگریسته، سرچشمه‌ها را باریک‌بینانه و سنجشگرانه بررسیده و نمونه‌هایی بسیار از کمایش همه‌ی نوشته‌های پارسیگ فرادست آموزنده گذارده است. چنین، هر کس، برپایه‌ی این کار، خواهد توانست دستور پارسیگ را به نیکی آموزد؛ با واژه‌سازی اندر این زبان آشنا شود؛ پارسیگ را با دیگر زبانهای ایرانی سنجد؛ بیش از چهار هزار واژه‌ی پارسیگ را ریشه‌شناسانه بررسید؛ و واج‌شناسی این زبان را نیز فراگیرد.

ناگفته پیدا است که با دانش زبانشناسانه و روشمندانه‌ی این نیگ زبان پارسیگ را توان آموخت و در این پایه چنان پیش رفت که آن را به آسانی خواند و نوشت و سخن گفت و گرهمایی زبانشناختی نیز گشود، لیک ژرفای زبانی چون پارسیگ نه با دانش که با آیین به دست آید. به دیگر سخن، اگر پارسیگ را دارای جانی و روانی بینداریم، آیین اندر آمیختن جان و روان پارسیگ با جان و روان آموزنده و درونی کردن این زبان است.

در پی ریش و زبان گردانش و جرای این

در این گردانش کوشیده‌ایم خود زبان پارسی را پایه‌ی کار خویش برنهم - نه آنچه دیگران گفته‌اند و نوشته‌اند، و جز واژه‌های زبانشناختی واژه‌ای دیگر نساخته‌ایم^۱ و از واژه‌سازی نیز واژه‌های دساتیری و نادستورمند دوری جسته‌ایم و از همان گنجینه‌ی واژه‌های پارسی به یاری نه‌ای ایرانی سود برده‌ایم و بر این بن استوار زبان گردانش خویش را بگذارده‌ایم.

گذشته از این، شاید حتم زبانی - و ن پارسیگ بتوان یافت که یکسره به خویشتن خویش استوار باشد. شمار واژه‌های نا ایرانی^۲ در زبان پارسیگ به شمار انگشتان دست نرسد؛ لیک، واژه‌های پارسیگ اندر بانهای انیر، همچون آرامی و سوریگ، بس فراوان‌اند. به دیگر سخن، زبان پارسیگ زبانی سخت پاک و یکدست و با دستوری سازوار و درون‌مایه‌ای بشکوه و پرمایه است. ز فرهنگی گران سنگ و بالنده

۱. به واژه‌نامه‌های انگلیسی - پارسی و پارسی - انگلیسی پایان کار درنگرید.

۲. در ساخت واژه‌های زبانشناختی به خود زبان پارسی درنگریسته‌ایم. چه اکنون، بیشتر زمانی که در دستور زبان پارسی به کار می‌روند وام‌گرفته از دستور زبان عربی‌اند و با دستور پارسی همخوانی ندارند. چونان نمونه به «مصدر» بنگریم. دانیم که واژگونه‌ی زبان عربی، در پارسی «مصادر» بنیادین خود از ماده‌ی گذشته یا ماده‌ی کنون کارواژه گرفته شوند؛ چونان که «تافتن» از «تافت» و «تابیدن» از «تاب»، گاه نیز بر ساخته‌اند چونان «جنگیدن» و «نامیدن» و «انجامیدن» و «آغازیدن» که از نام‌واژه‌های «جنگ» و «نام» و «انجام» و «آغاز»، یا «خشکیدن» و «دزدیدن» و «خسیدن» که از گزارواژه‌های (مضارع) «خشک» و «دزد» و «خیس» بر ساخته شده‌اند. زین‌رو «مصدر» نامیدن و «اصلي کلام» دانستن آنها که «مشقاتی چون افعال و صفات» از آن برآیند نادرست است و با زبان پارسی همخوانی ندارد. چنین، ما «مصدر» را - برپایه‌ی دستور زبان پارسی و خوشه‌ی واژگانی‌ای که پیش نهاده‌ایم - «کارپایه» نامیده‌ایم.

است و گردانشِ دستورِ زبانِ آن به پارسیِ ناب هم بر بنیادِ این ویژگیهای پارسیگ است.

به هر روی، بر آن بوده‌ایم که زبانِ این گردانشِ پارسیِ استوار و پالوده از پاره‌ای ویژگیهای زودگذر و امروزی و نیز نزدیک به آن روزگاری باشد که پارسی از پارسیگ چندان دور نشده بود. باشد که با گذرِ روزگاران رنگِ نبازد و بدرنگد و دیر زیود.

«فرجام، از دو دوست بایدمان یاد کردن و سپاس گزاردن: از رهام اشه، فرزانه‌ی ما و دوستِ مهربان، که خوشه‌چینِ دانشِ ایشانیم، و نیز از دوستِ راد، پرویز شمشجادی، بیاگذارِ پارسی انجمن.

مریم تاج‌بخش و بزرگمهر لقمان

ped farroxīh ud pērōzgarīh